

دامگه حادثه

گذری بر مصایب نیشابور، عروس شهرهای خراسان
حکایت رنج و شعر و امید در تاریخ نیشابور

ماه چهره تهرانی | در نخستین سده‌های اسلامی در ایران هنگامی سکه‌های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در جریان معاملات تجاری داد و ستد می‌شد، این شهر چون عروسی زیبا و دل‌فریب بر پهنه خراسان بزرگ دامن گسترده بود و چشم هر بیننده را مسحور می‌کرد؛ آنگاه که عالمان و شاعران و بزرگان اندیشه و عرفان و تصوف در کتابخانه‌ها و زوایای نیشابور زندگی از سر می‌گذاشتند و مردم در روشنائی عرفان و وسایه آبادانی به شهر خود پاییده و آینده‌ای درخشان تر را انتظاری می‌کشیدند، کسی نمی‌پنداشت روزگار برای این شهر چه سختی‌هایی در خود نهفته دارد.



نیشابور همان شهری بود که سده‌ها بعد، خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، وزیر و مورخ بزرگ عصر ایلخانیان در تاریخ خود، جهانگشای جوینی، آن را عروس شهرهای خراسان خوانده بود. خردادهایی که بر نیشابور رفت اما کاری کرد این شهر تا سده‌های پیاپی روی آبادانی نبیند و بستر جغرافیایی‌اش جابه‌جا شود. غزاهای دستجات ترکان در اواخر دوران سلجوقیان، آرامش و امنیت را از مردم خراسان به‌ویژه نیشابور گرفتند. کشتار دهشتناک آنها از مردم نیشابور که از ترس به مسجد پناه برده بودند از کشتارهایی است که روح حاکم بر شهر بزرگ آن روزگار را با غم و رنج گره زد. خاقانی شاعر هم‌دوره این رخدادها در دیوان خود درباره این حادثه غمگانه اینگونه سروده است: «آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد/ و آن نیل مکرمت که شنیدی سرباب شد... سرو سعادت از تف خندان ز کال گشت/ و اکنون بر آن ز کال جگرها کباب شد... از سیل اشک بر سر طوفان حادثه/ خوناب قبه‌بهد

بشکل حجاب شد». هجوم غزان تا جایی پیش رفت که سلطان سنجر سلجوقی به اسارت آنها درآمد. بزرگان خراسان در این هنگام، رکن‌الدین محمود خاقان خواهرزاده و ولعهد سنجر را از سمرقند به خراسان خواندند. آنها خواجه کمال‌الدین از بزرگان خراسان را به بدین رسالت نزد او فرستادند. انوری ابیوردی قصیده‌ای سرود و به وسیله خواجه به محمود خاقان فرستاد؛ قصیده‌ای که در آن به روشنی وضع مردم خراسان و روزگار غم‌بارشان را تصویر کرده است. انوری در این شعر از خاقان کمک می‌خواهد «هر که پایی و خری داشت بخلیت بگریخت/ چه کند مسکین آنرا که نه پایست و نه خر... رحم کن رحم بر آن قوم که جویند جوین/ از پس آن که نخوردند از ناز شکر... رحم کن رحم بر آنها که نیابند نمود/ از پس آن که ز اطلسستان بودی بستر... رحم کن رحم بر آن قوم که نبود شب و روز/ مصیبتشان جز نوحه‌گری کار دگر».

غزایان خان و سلطان ابوسعید دو حکمران سال‌های پایانی دوران ایلخانان در ایران، شهرهای خراب خراسان را تا اندازه‌ای آباد کردند. آنها مردم گوشه و کنار را فراخواندند تا به شهر خود بازگردند و مزرعه‌ها را زمین‌ها را آباد کنند. مردم نیشابور در اثر سیاست‌هایی که در این دوران پی‌گرفته شد به یاری هم شهر جدید خود را در شمال و غرب شهر قدیم بنا کردند.

نیشابور همان شهری بود که سده‌ها بعد، خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، وزیر و مورخ بزرگ عصر ایلخانیان در تاریخ خود، جهانگشای جوینی، آن را عروس شهرهای خراسان خوانده بود. خردادهایی که بر نیشابور رفت اما کاری کرد این شهر تا سده‌های پیاپی روی آبادانی نبیند و بستر جغرافیایی‌اش جابه‌جا شود. غزاهای دستجات ترکان در اواخر دوران سلجوقیان، آرامش و امنیت را از مردم خراسان به‌ویژه نیشابور گرفتند. کشتار دهشتناک آنها از مردم نیشابور که از ترس به مسجد پناه برده بودند از کشتارهایی است که روح حاکم بر شهر بزرگ آن روزگار را با غم و رنج گره زد. خاقانی شاعر هم‌دوره این رخدادها در دیوان خود درباره این حادثه غمگانه اینگونه سروده است: «آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد/ و آن نیل مکرمت که شنیدی سرباب شد... سرو سعادت از تف خندان ز کال گشت/ و اکنون بر آن ز کال جگرها کباب شد... از سیل اشک بر سر طوفان حادثه/ خوناب قبه‌بهد



واره

بهر روزی از آن کسی است که دیگران را به بهروزی رساند

زرتشتیان نیکوکار؛ میراث‌داران ایران کهن



دینکرد که در سده‌های اولیه پس از زرتشتیست، در سده‌های اولیه پس از زرتشتیست، در سده‌های اولیه پس از زرتشتیست... (The text continues with a detailed account of the Zoroastrian faith, its history, and the role of the 'Nikokars' or 'Nikokars' in maintaining the faith during difficult times. It mentions the persecution of Zoroastrians and the role of the 'Nikokars' in preserving the faith and the community.)

این روزها به گاهنبارها اختصاص دارد. در نخستین سطرهای این وقف‌نامه‌ها، توصیف گاهنبارها و اهمیت آن نزد زرتشتیان یاد شده است. براساس این وقف‌نامه، زمین‌هایی از اهرستان براساس این وقف‌نامه بدین جشن اختصاص می‌یابد و هزینه نان و آش و غذای تهیه‌ی دستان و اقوام و خویشان شان از این درآمد صرف می‌شود و اگر برای تعمیر خانه کسی ضرورتی پیش آمد، از همان هزینه نان و غذا استفاده می‌شده است. شروط واقف طبق این وقف‌نامه باید رعایت می‌شد و تخلف از آن جایز نبوده است. در وقف‌نامه‌های دیگر از سال ۱۲۵۳ قمری نیز در توصیف وقف برای گاهنبارها می‌خوانیم «و آن روزها را بسیار مبارک و میمون می‌شمارند و خیرات را در آن روزها بجا و موجب رضای حضرت خلاق علی‌الاطلاق می‌دانند و هر کس از ایشان به قدر توانایی، خودداری ننموده، خیراتی می‌کند، حتی اگر کسی از ایشان خانه و املاک و میاه (آب) خود را وقف موبد می‌سازند که بر سهیل دوام و استمرار همه ساله از مداخل و منافع حاصل از آنها در کل یا بعضی از آن روزها به مصرف خیرات برسانند و

گذری بر یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های یاریگری در اورامان
نذر و نیاز و دعادر مراسم عروسی پیر شالیار

جای خوشحالی و درنگ است که هنوز در جای‌جای ایران آیین‌ها و رسم‌های کهن به اجرا درمی‌آید که در پیوند با اندیشه عامه و افسانه‌ها و اسطوره‌های دیر سال‌اند؛ پیوندی که امروز ما را چون حلقه‌ای زنجیر با گذشته گره می‌زند. این رسم در میان کردان امروز ایران نمودی چشمگیر دارد. در اورامان روستایی نزدیک شهرستان سرورآباد کردستان که مزار پیری گذشته‌های دور تا امروز جریان داشته است که جلوه‌ای زیبا از یاریگری را به نمایش می‌گذارد. پیر شالیار بنا بر روایاتی، شخصیتی مقدس در میان زرتشتیان است. برخی روایت‌ها را از موبدان عبدالقادر گیلانی، عارف و صوفی سده ششم هجری می‌دانند. مردم اورامان چهل روز از زمستان گذشته مراسم را با عنوان عروسی پیر شالیار برگزار می‌کنند؛ جشن‌هایی که با نوعی کرامت از پیر شالیار و روز ازدواج او با بهار خاتون، دختر شاه بخارا و به روایتی دیگر دختر شاه عباس اول پیوند می‌خورد. پیر شالیار گویند در روزگار خود دختر شاه بخارا را که کر و لال است شفا می‌بخشد. شاه بخارا نیز پس از آن دختر را به عقد ازدواج او درمی‌آورد. مراسم بزرگداشت این جشن به مدت دو هفته در اورامان اجرا می‌شود. مردم اورامان در نخستین روز با تقسیم گردوهایی باغ و دققی پیر شالیار میان روستاییان، جشن را آغاز می‌کنند. پسران و دخترکان مامور می‌شوند گردوها را تقسیم کنند. پاک و تقدس پیر، گوینی به وسیله این کودکان به شیوه‌ای نمادین میان اهالی روستا پراکنده می‌شود. مردم در دیگر روزها با قربانی گوسفند، گاو و بز، نذر غذاهایی ویژه و بخش آنها، نماز و دعا و همچنین دف‌زدن و رقص عرفانی و نیز پخت نان، این خاطره دیرین را گرمی می‌دارند. جشن‌ها